



اخلاق و احکام کسب و کار

دکتر ابوطالب خدمتی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۴

خدمتی، ابوطالب، ۱۳۵۰ -

khidmati, Abutalib

اخلاق و احکام کسب و کار / ابوطالب خدمتی. -- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.

۳۲۰ ص. -- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۶۹؛ مدیریت: ۵۷)

بها: ۲۷۲۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-549-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. کسب و کار -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام. ۲. Islam -- Religious aspects -- Business. ۳. اخلاق کسب و کار.

۴. Business ethics. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۹۷/۶۵۵

BP۲۵۴/۶۵

۱۰۰۳۱۳۷۴

شماره کتابشناسی ملی



اخلاق و احکام کسب‌وکار

مؤلف: ابوطالب خدمتی (عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۴

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۷۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۴۹-۱

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۶۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان متن درسی برای دانشجویان رشته مدیریت در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد قابل استفاده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم اثر، حجت الاسلام والمسلمین دکتر ابوطالب خدمتی نیز از ارزیاب محترم، حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین فلاح زاده سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
------------	---

بخش اول: اخلاق کسب‌وکار فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱. مفهوم شناسی اخلاق.....	۷
۲. اهمیت و ضرورت اخلاق.....	۱۱
۳. اهمیت اخلاق در قرآن.....	۱۳
۴. اهمیت اخلاق در روایات اسلامی.....	۱۵
۵. رابطه زندگی مادی به‌ویژه کسب‌وکار با مسائل اخلاقی در روایات اسلامی.....	۱۶

فصل دوم: اخلاق حرفه‌ای

۱. تعریف حرفه.....	۲۰
۲. مفهوم اخلاق حرفه‌ای.....	۲۱
۳. مبانی نظری اخلاق حرفه‌ای در اسلام.....	۲۴
۴. ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای.....	۲۵
۵. عوامل روان‌شناختی مرتبط با اخلاق کار.....	۲۷
۶. ضمانت اجرای اخلاق حرفه‌ای.....	۲۸
۷. عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای.....	۲۹

فصل سوم: وظایف مدیران در اخلاقی کردن سازمان

۱. آموزش عملی اخلاق توسط افراد مقید و پایبند به رعایت اخلاقیات.....	۳۲
۲. تدوین منشور اخلاقی برای سازمان‌ها.....	۳۵

فصل چهارم: اخلاق در تجارت

۴۴	۱. اصول اخلاقی حاکم بر تجارت.....
۴۴	۱-۱. صداقت.....
۴۵	۲-۱. انصاف.....
۴۶	۳-۱. مسئولیت‌پذیری.....
۴۶	۴-۱. حفظ اسرار تجاری و رازداری.....
۴۷	۵-۱. پایبندی به تعهدات.....
۴۹	۲. رویه‌های تجاری نامطلوب یا غیرمنصفانه.....
۴۹	۳. روش‌های گوناگون برای فریب مشتری و سودجویی.....
۴۹	۳-۱. برگزاری حراج‌های صوری.....
۴۹	۳-۲. تطمیع مشتری یا دام‌گستری.....
۵۰	۳-۳. گران‌فروشی در مراحل اولیه عرضه یک کالا.....
۵۱	۳-۴. تبنانی برای ثابت نگه‌داشتن قیمت و حذف رقابت سالم.....
۵۱	۳-۵. انحصارگرایی یا به انحصار در آوردن.....
۵۱	۳-۶. جلوگیری از ورود رقبا به صحنه تجارت یا صنعت.....
۵۱	۳-۷. تبنانی رقبا هنگام شرکت در مناقصه‌ها یا مزایده‌ها.....
۵۲	۳-۸. ملزم کردن مشتری به خرید از یک شرکت خاص.....
۵۲	۳-۹. توافق برای محدود کردن تولید.....

فصل پنجم: تبلیغات تجاری

۵۶	۱. اهمیت اخلاق تبلیغات بازرگانی.....
۵۸	۲. الزامات اخلاقی در تبلیغات بازرگانی.....
۵۸	۲-۱. انعکاس ساده‌زیستی به‌جای تجمل‌گرایی.....
۵۹	۲-۲. تبلیغ قناعت به‌جای اسراف.....
۶۱	۲-۳. انعکاس کار و تولید به‌جای رفاه‌زدگی و مصرف‌گرایی.....
۶۲	۲-۴. تبلیغ نکردن مدگرایی.....
۶۳	۲-۵. ترویج نکردن بیگانه‌پرستی و خودکم‌بینی.....
۶۵	۲-۶. پرهیز از دامن زدن به چشم‌وهم‌چشمی‌ها.....
۶۶	۲-۷. ترویج نکردن پرخوری و شکم‌بارگی.....
۶۷	۲-۸. پرهیز از دروغ.....
۶۷	۲-۹. پرهیز از اغراق.....
۶۸	۲-۱۰. پرهیز از فریب و نیرنگ.....
۶۸	۲-۱۱. ارائه اطلاعات کافی درباره محصول.....
۶۹	۲-۱۲. عدم سوءاستفاده از یافته‌های روان‌شناسی برای تسلط بر مخاطب.....
۷۰	۲-۱۳. استفاده درست از جاذبه‌ها.....

الف) جاذبه منطقی.....	۷۰
ب) جاذبه خنده و طنز.....	۷۱
ج) جاذبه ترس.....	۷۱
د) جاذبه اخلاقی.....	۷۲
ه) جاذبه دو جنبه‌ای و یک جنبه‌ای.....	۷۳
۲-۱۴. تبلیغ نکردن کالاهای زیان‌آور.....	۷۴
۲-۱۵. مقایسه نکردن کالای خود با کالای رقیبان.....	۷۴
۲-۱۶. بدگویی نکردن از کالای رقیبان.....	۷۵
۲-۱۷. پرهیز از نمایش غیرواقعی کالا.....	۷۵
۲-۱۸. پرهیز از تکرار زیاد تبلیغ برای کالاهای غیرضروری.....	۷۵
۲-۱۹. نداشتن بدآموزی برای کودکان.....	۷۶
۲-۲۰. استفاده نکردن از زنان و دختران با هدف افزایش جذابیت آگهی.....	۷۶
۲-۲۱. پوشش و آرایش متناسب با ارزش‌های اسلامی و عرف جامعه.....	۷۷
۲-۲۲. رعایت عفت کلام، ادب و احترام.....	۷۸
۲-۲۳. تبلیغ نکردن و نشان ندادن کالاهای حرام.....	۷۹
۲-۲۴. استفاده نکردن از موسیقی‌های مبتذل.....	۷۹

فصل ششم: تجارت الکترونیک

۱. تفاوت مبادله الکترونیکی داده‌ها با تجارت الکترونیک.....	۸۳
۲. جایگاه تجارت الکترونیک در کشورهای جهان و ایران.....	۸۳
۳. اهمیت تعهد کاری و اخلاق کسب‌وکار در تجارت الکترونیک.....	۸۴
۴. ارزش‌های اخلاقی در تجارت الکترونیک.....	۸۵

فصل هفتم: تجارت بین‌الملل.....	۸۹
--------------------------------	----

بخش دوم: احکام کسب‌وکار فصل اول: اهمیت کسب‌وکار در اسلام

۱. اهمیت کسب‌وکار.....	۹۷
۲. کسب‌وکار در قرآن.....	۱۰۳
۳. عبادت بودن کسب‌وکار.....	۱۰۵

فصل دوم: کسب حلال

۱. آثار و برکات روزی حلال.....	۱۲۰
۱-۱. آمرزش گناهان.....	۱۲۰
۲-۱. استجابت دعا.....	۱۲۱

۱۲۲	۳-۱. گرامی شدن نزد خداوند.....
۱۲۲	۴-۱. نورانیت دل و جان.....
۱۲۲	۵-۱. رفاه خانواده.....
۱۲۳	۲. عوامل افزایش روزی حلال.....
۱۲۳	۱-۲. تقوا و پرهیزکاری.....
۱۲۴	۲-۲. استغفار.....
۱۲۵	۳-۲. صدقه و انفاق.....
۱۲۶	۴-۲. دعا و نیایش.....
۱۲۸	۵-۲. شکر گزاری.....
۱۲۹	۳. آثار سوء حرام خواری.....
۱۳۰	۱-۳. بی برکتی اموال.....
۱۳۱	۲-۳. عدم پذیرش و بی ارزش شدن عبادات.....
۱۳۳	۳-۳. عدم استجابت دعا.....
۱۳۴	۴-۳. قساوت قلب.....
۱۳۵	۵-۳. تأثیر منفی در نسل.....
۱۳۶	۴. راهکار رهایی از کسب درآمد حرام.....
۱۳۶	۱-۴. باور به تقسیم روزی از سوی خدا.....
۱۳۷	۲-۴. شناخت احکام کسب حلال و حرام.....
۱۳۹	۳-۴. شرم نکردن از تلاش برای درآمد حلال.....
۱۴۰	۴-۴. به زحمت افتادن در طلب روزی حلال.....

فصل سوم: گونه شناسی تجارت

۱۴۴	۱. کسب و کار واجب.....
۱۴۵	۲. کسب و کار مستحب.....
۱۴۶	۳. کسب و کار مباح.....
۱۴۶	۴. کسب و کار مکروه.....
۱۵۱	۵. کسب و کار حرام.....

فصل چهارم: مستحبات و مکروهات کسب و کار

۱۵۳	۱. مستحبات کسب و کار.....
۱۶۲	بهداشت کارگران مواد غذایی.....
۱۶۳	بهداشت محیط و وسایل و تجهیزات مراکز تهیه و تولید و توزیع مواد غذایی.....
۱۶۵	۲. مکروهات کسب و کار.....

فصل پنجم: احتکار

۱۷۳	۱. تعریف احتکار.....
۱۷۵	۲. شرایط احتکار.....
۱۷۵	۳. احتکار در قرآن.....
۱۷۶	۴. احتکار در روایات.....
۱۷۸	۵. حکم احتکار.....
۱۷۸	۶. راهکارهای مبارزه با احتکار.....
۱۷۸	۱-۶. اقدامات لازم برای پیشگیری احتکار.....
۱۷۹	۲-۶. اقدامات لازم در برخورد با محتکرین.....

فصل ششم: اختلاس

۱۸۶	۱. اختلاس در آموزه‌های اسلام.....
۱۹۲	۲. حکم اختلاس.....
۱۹۳	۳. مجازات اختلاس در قانون.....

فصل هفتم: غش در معامله

۱۹۷	۱. روایات غش در معامله.....
-----	-----------------------------

فصل هشتم: کم‌فروشی

۲۰۱	۱. کم‌فروشی در لغت و اصطلاح.....
۲۰۱	۲. کم‌فروشی در نظام اقتصادی اسلام.....
۲۰۳	۳. کم‌فروشی در قرآن.....
۲۰۸	۴. کم‌فروشی در روایات.....
۲۰۹	۵. آثار و پیامدهای سوء کم‌فروشی.....
۲۱۴	۶. قوانین جرم کم‌فروشی.....
۲۱۵	۷. احکام کم‌فروشی.....

فصل نهم: دروغ و قسم دروغ

۲۱۸	۱. دروغ از منظر قرآن کریم.....
۲۱۹	۲. دروغ از منظر روایات.....
۲۲۲	۳. دروغ در کسب‌وکار.....
۲۲۵	۴. قسم دروغ در کسب‌وکار.....

فصل دهم: مال شبهه‌ناک

۲۳۳	۱. تعریف مال شبهه‌ناک.....
-----	----------------------------

۲۳۴	مال شبهه‌ناک در روایات.....
۲۳۷	مال شبهه‌ناک در سیره و سخن علما.....
۲۳۹	حکم مال شبهه‌ناک.....

فصل یازدهم: ربا

۲۴۲	۱. ربا در آینه آیات و روایات.....
۲۴۳	۱-۱. آیات قرآن کریم.....
۲۴۴	۲-۱. روایات معصومین (علیهم‌السلام).....
۲۴۵	۲. ربا میان ملل مختلف.....
۲۴۷	۳. مکاتب آسمانی و ربا.....
۲۴۷	۱-۳. یهود.....
۲۴۷	۲-۳. مسیحیت.....
۲۴۸	۳-۳. اسلام.....
۲۴۹	۴. انواع ربا.....
۲۵۱	۵. مسائل ربا.....
۲۵۱	۱-۵. اصل تحریم وام توأم با ربا و شرایط آن.....
۲۵۲	۲-۵. حکم پرداخت وام به شرط اجاره، و اجاره به شرط وام.....
۲۵۳	۳-۵. مجاز بودن گرفتن سود بدون شرط قبلی.....
۲۵۳	۴-۵. حرام یا باطل بودن وام به شرط ربا.....
۲۵۴	۶. فلسفه حرمت ربا.....
۲۵۵	۱-۶. ظلم بودن ربا.....
۲۵۶	۲-۶. ترک پرداخت قرض الحسنه.....
۲۵۸	۴-۶. جلوگیری از رکود.....
۲۵۹	۷. استثنائات ربا.....

فصل دوازدهم: بیت‌المال

۲۶۱	۱. تعریف بیت‌المال.....
۲۶۲	۲. جایگاه بیت‌المال.....
۲۶۳	۳. اهمیت بیت‌المال.....
۲۶۶	۴. بیت‌المال در صدر اسلام.....
۲۷۹	۵. احکام بیت‌المال.....

فصل سیزدهم: قواعد فقهی و حقوقی حاکم بر کسب‌وکار

۲۸۱	۱. قاعده ضمان ید.....
۲۸۱	۲. مدارک و مستندات قاعده.....

۲۸۱	۱-۲. بنای عقلا.....
۲۸۲	۲-۲. روایات.....
۲۸۲	۳-۲. مفاد حدیث.....
۲۸۳	۳. جریان قاعده در منافع.....
۲۸۴	۴. منافع متعدد.....
۲۸۴	۵. راه‌های خروج از عهده ضمان ید.....
۲۸۵	۱-۵. بازگرداندن اصل مال.....
۲۸۵	۲-۵. جبران خسارت در صورت ناقص یا معیوب شدن مال.....
۲۸۶	۳-۵. پرداخت بدل در صورت وجود عین و عدم امکان رد آن.....
۲۸۶	۴-۵. پرداخت معادل در صورت تلف عین.....
۲۸۹	۶. قاعده اتلاف.....
۲۸۹	۷. مدارک و مستندات قاعده.....
۲۹۰	۸. مفهوم قاعده اتلاف.....
۲۹۰	۱-۸. اتلاف.....
۲۹۱	۲-۸. مال.....
۲۹۲	۳-۸. ضمانت.....
۲۹۴	۹. قاعده لا ضرر.....
۲۹۵	۱-۹. مستندات قاعده.....
۲۹۷	۲-۹. مفهوم قاعده لا ضرر.....
۲۹۷	۳-۹. گستره قاعده.....
۳۰۱	منابع و مأخذ.....

مقدمه

مباحث اخلاقی از مهم‌ترین بحث‌های قرآنی است و مهم‌ترین هدف انبیای الهی را تشکیل می‌دهد، و اصولاً زمانی انسان شایسته نام انسان است که دارای اخلاق انسانی باشد. در مورد اهمیت و ضرورت علم اخلاق همین بس که خداوند متعال، فلسفه بعثت همه پیامبران خود، به‌ویژه حضرت محمد ﷺ را مسئله اخلاق و تهذیب نفس اعلام کرده و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه / ۲) و در آیات دیگر با سوگندهای متعدد و پی‌درپی تأکید کرده است که تنها کسانی رستگار می‌شوند که نفس خویش را از آلودگی‌ها پاک کنند: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا... قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۱ سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، سوگند به... به راستی رستگار شد آن کس که نفس خویش را از آلودگی‌ها پاک کرد و زیان‌کار شد آن کس که خود را آلوده کرد». رسول خدا ﷺ نیز فلسفه بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاقی ذکر کرده و می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۰۰)

به دلیل اهمیت زیادی که رعایت مسائل اخلاقی در تجارت و کسب‌وکار در دهه‌های اخیر کسب کرده، در اغلب دانشگاه‌های معتبر دنیا می‌کوشند جنبه‌های اخلاقی مرتبط با تجارت و کسب‌وکار را به افرادی بیاموزند که در آینده عهده‌دار تصدی بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی خواهند شد. همین ضرورت، پایه‌گذاران سازمان جهانی تجارت را در اوایل دهه ۱۹۹۰ ترغیب کرد موافقت‌نامه‌ای با عنوان «رویه‌های تجاری غیرمنصفانه» تدوین نمایند.

۲ اخلاق و احکام کسب و کار

البته اگر طرح هرگونه اندیشه اخلاقی در مورد کسب و کار را به صورت عام، اخلاق کسب و کار بنامیم، قدمت این بحث، به قدمت خود کسب و کار بازمی گردد. برای مثال، قانون همورابی (۱۷۰۰ قبل از میلاد) نشان دهنده تلاش های برخی از تمدن های پیشین برای وضع اصول اخلاقی در کسب و کارها و فعالیت های تجاری است.

اخلاق تجاری شاخه ای از اخلاق کاربردی است که اصول اخلاقی و معنوی یا مسائل اخلاقی ناشی از آن را در محیط کسب و کار بررسی می کند. در قرن بیست و یکم با توجه به جهانی شدن اقتصاد و به دنبال آن گسترش بازارها، ضرورت رعایت نکات اخلاقی در کسب و کار بیش از پیش افزایش یافته است.

توجه به اصول اخلاقی تجاری در دهه های اخیر در بنگاه های بازرگانی مهم و محافل دانشگاهی به شدت افزایش یافته و در بسیاری از دانشگاه های مهم دنیا، رشته جدیدی به نام «اخلاق تجاری» به وجود آمده است و اغلب مؤسسات مهم اقتصادی یا حرفه ای دنیا، دستورالعمل هایی برای رعایت نکات اخلاقی در فعالیت های روزمره یا رفتار کارکنان خود تدوین کرده اند.

در بینش اسلامی و براساس آموزه های دینی، کار و تلاش از قداست و ارزش والایی برخوردار است و هم ردیف جهاد و مبارزه با دشمنان خدا معرفی شده و به عنوان بهترین عبادت مورد تأکید رهبران دین قرار گرفته است؛ البته بدیهی است که توجه ویژه و اهمیت فراوان به کار و تلاش در دین مبین اسلام معطوف به کسب و کارهای مشروع و مفید است که خیر و صلاح جامعه اسلامی در آنهاست نه کارهای غیر مفید و حرام؛ زیرا نتیجه کارهای غیر مفید و حرام، کسب لقمه حرام است که به شدت از خوردن آن نهی شده است.

از آنجاکه تجارت و کسب و کار، نقشی مهم در زندگی مردم و رشد اقتصادی جامعه دارد و اقتصاد سالم مرهون آن است، لازم است که یک فرد تاجر و کاسب پیش از کار تجارت، نسبت به موضوعات و قوانین و احکام فقهی آن آشنا شود، تا در معاملات و دادوستد در مسیر ربا و معاملات نامشروع قرار نگیرد. به دیگر سخن، برای اینکه تجارت و کسب و کار، روند صحیح و شایسته داشته باشد، باید به دستورها و احکام دین به خوبی عمل شود. فراگیری احکام کسب و کار و شناخت حرام و حلال تجارت از ضروریاتی است که در روایات تأکید شده است.

در دین مبین اسلام، اصل کلی در کسب و کار، جایز و مباح بودن آن است؛ اگرچه گاه، گونه ای خاص از کسب عنوانی خاص می یابد و یکی از احکام تکلیفی دیگر ملاک ارزش گذاری آن خواهد بود. در مورد ملاک و معیار صحت و بطلان معاملات در اسلام می توان گفت که قانون گذاری و وضع احکام و مقررات اسلامی، تابع مصالح و مفاسد بوده است و رعایت مصالح و مفاسد در وضع همه آموزه های تکلیفی، عبادی و غیرعبادی، الزامی و غیرالزامی مورد توجه بوده است.

در مجموع می توان گفت: کسب و کارهایی که در راستای برآوردن نیازهای عمومی یا ارزشی جامعه باشند، مورد توجه دین مبین اسلام بوده و مستحب شمرده شده و گاه واجب دانسته شده اند و در مقابل، کسب و کارهایی به سبب آسیب زدن به لطافت روحی انسان مثل ذبح حیوانات یا دارا بودن احتمال خطر انحراف از خوی اسلامی و انسانی، به عنوان شغل مکروه معرفی شده اند. دین مبین اسلام سازوکارهایی را نیز برای کسب و کارهای صحیح در نظر گرفته است که برگرفته از مصالح کلی یا مفاسد مترتب بر این کسب و کارها بدون لحاظ کردن آنهاست. از نظر شارع مقدس، رعایت نکردن این قوانین، سبب گسترش فساد در جامعه شده و هزینه های اجتماعی بر جامعه اسلامی تحمیل می کند. از این رو، کسب و کاری که از این طریق به فساد اجتماعی یاری می رساند نیز حرام است. ربا، رشوه، کم فروشی، احتکار و... از کارهایی هستند که به سبب داشتن مفسده، حرام و باطل اعلام شده اند. افزون بر اینها، فروش سلاح به دشمنان اسلام و تقویت آنها ضد مسلمانان نیز ممنوع و حرام است.

آداب و دستورهایی نیز در مورد کسب و کار به ویژه مسئله خرید و فروش بیان شده که شایسته است مسلمان آنها را مراعات کند تا رنگ عبادت و بندگی به کسب و کار، و خرید و فروش خود بدهد و خداوند مهربان هم از او راضی و خشنود باشد. تجارت و کسب، آدابی دارد که بعضی از آنها مستحب است که بهتر است آنها را انجام دهد و بعضی مکروه است که بهتر است آنها را ترک کند.

بخش اول

اخلاق کسب و کار

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱. مفهوم شناسی اخلاق

اخلاق کلمه‌ای عربی است بر وزن افعال جمع واژه خُلِقَ (بر وزن فُعل) و خُلُقَ (بر وزن افق) که در لغت به معنای طبیعت یا سجیه است که در مورد سجایای باطنی به کار می‌رود.^۱ و به معنای سرشت، طبیعت، عادت، خوی و... به کار می‌رود.^۲ راغب اصفهانی در کتاب مفردات معتقد است که این دو واژه در اصل به یک ریشه بازمی‌گردد. خُلُقَ به معنای هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خُلُقَ به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود.

در قرآن کریم نیز واژه خُلُقَ به همین معنا به کار رفته است. خداوند متعال در قرآن کریم هم درباره خلق و خوی پاکیزه رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۳ به راستی که تو دارای اخلاق والایی هستی». البته خوی و سرشت و عادت، گاه پسندیده است مانند شجاعت و کرامت، و گاه ناپسند مانند ترس و نفاق. بنابراین، وقتی که واژه اخلاق به معنای سرشت و سجیه استعمال می‌شود، اعم از سجایای نیکو و پسندیده، مانند امانت‌داری، راست‌گویی یا سجایای ناپسند مثل غیبت، نفاق و دروغ‌گویی می‌باشد.

۱. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۱۸.

۲. محمد ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶؛ الزبیدی، تاج العروس عن جواهر القاموس، ج ۶، ص ۳۳۷.

۳. قلم، ۴.

حقیقت اخلاق درباره صورت باطنی انسان است که منظور جان و اوصاف و خوی‌های اوست؛ همان‌گونه که خَلق درباره ظاهر و اوصاف ظاهری انسان است.^۱ بنابراین، اخلاق در اصطلاح به معنای صفت‌های روحی و باطنی است که در نفس انسانی رسوخ پیدا کرده و به‌عنوان ملکه برای نفس انسان درآمده است؛ به‌گونه‌ای که اعمال خوب یا بد، بدون نیاز به تفکر و اندیشه به‌آسانی از او صادر می‌شود.

خلق یک حالت نفسانی ثابت است که موجب می‌شود کارهای مناسب با آن حالت، بدون نیاز به فکر و دقت، به‌آسانی از انسان سر بزنند.^۲ پس می‌توانیم اخلاق را به معنای آن دسته از ویژگی‌های روحی و نفسانی بدانیم که در وجود فرد، ملکه شده باشد؛ یعنی چنان با شخص، درهم آمیخته باشد که گویی جزئی از سرشت اوست. به‌دیگرسخن، صفتی در فرد، چنان ریشه بدواند که بی‌هیچ تکلفی، خود را نشان بدهد؛ بنابراین، اخلاق، عبارت است از: ویژگی‌های پایدار نفسانی که با اراده و اختیار صورت گیرد.

اخلاق را به دو بخش تقسیم می‌کنند: ملکاتی که سرچشمه پدیدآمدن کارهای نیکوست و اخلاق خوب و ملکات فضیله نامیده می‌شود، و آنها که منشأ اعمال بد است و به آن اخلاق بد و ملکات رذیله می‌گویند. اخلاق در اصطلاح به معنای صفت‌های روحی و باطنی است که در نفس انسانی رسوخ پیدا کرده و به‌عنوان ملکه برای نفس انسان درآمده است؛ به‌گونه‌ای که اعمال خوب یا بد، بدون نیاز به تفکر و اندیشه به‌آسانی از او صادر می‌شود. به‌دیگرسخن، اخلاق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند؛ بی‌آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد و آن بر دو قسم است: ۱. قسمی از آن طبیعی و به اصل مزاج آدمی بستگی دارد؛ مانند کسی که از کوچک‌ترین ناملایمی خشمگین می‌شود و یا می‌خندد و یا افسرده می‌شود؛ ۲. قسم دیگر ناشی از عادت و تمرین است و چه بسا در آغاز از روی فکر ناشی می‌شده، ولی بر اثر تکرار رفته‌رفته به شکل ملکه و خُلُق و خوی ثابت درمی‌آید، آنگاه بدون فکر و محاسبه عمل می‌کند.

اخلاق را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد، و آن اینکه: گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری به‌طور مستمر از کسی سر می‌زند، دلیل به

۱. محمد ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۷.

۲. جزایری، دروس اخلاق اسلامی، ص ۳۱.

این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد که آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند.

ملا مهدی نراقی در تعریف علم اخلاق می‌نویسد: «علم اخلاق دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات‌بخش و رها شدن از صفت هلاک‌کننده می‌باشد».^۱ بنابر این تعریف، روش زدودن اخلاقیات ناپسند و کیفیت به دست آوردن صفات و ملکات خوب و زیبا، جزئی از علم اخلاق است؛ درحالی‌که براساس تعاریف قبلی، علم اخلاق تنها بر شناخت صفات شایسته و ناشایست (فضایل و رذایل) تأکید دارد. بنابراین، تعریف جامع‌السعادات، جامع‌تر و صحیح‌تر می‌باشد.^۲

علامه طباطبائی رحمته‌الله اخلاق مشهور را عبارت از تخصص و علمی می‌داند که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی است، و هدف علم اخلاق مشهور این است که فضایل اخلاقی را از رذایل اخلاقی جدا کرده تا انسان بعد از شناخت آنها خود را با فضایل بیاراید، و از رذایل پاک کند و در نتیجه اعمال صالحی را انجام دهد که مقتضای فضایل درونی اوست تا سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند.

گفتنی است قید «ملکه» در تعریف علم اخلاق برای این است که اوصاف اخلاقی در شخص، دوام و ثبات دارد و چون چنین قوایی در باطن و درون او وجود دارد، ستایش و ثنای عموم متوجه او می‌شود. پس اگر وصفی از اوصاف حمیده یا رذیله، در فرد ملکه نشده و قوام و استقرار نیابد، جزء اخلاق به شمار نمی‌آید؛ البته این غایت علم اخلاق است. هدف و غایت کمالات اخلاقی از نگاه علامه، اکتفا نمودن به فضایل انسانی نیست؛ بلکه مرحله و مرتبه‌ای بالاتر از آن است و آن، طلب و درخواست رضای الهی است:

هنگامی که ایمان بنده نسبت به پروردگارش شدت پیدا کرد و خود را به این فکر مشغول نمود و اسمای حسناى الهی و صفات زیبایی را که منزّه از نقص و زشتی است در خود تقویت و مراقبت از نفس را تشدید نمود، خود را به حدی از عبودیت می‌رساند که در همه حالات، پروردگارش را ناظر اعمال خود می‌بیند و نسبت به او، حب و علاقه شدیدی نشان می‌دهد و این محبت تشدید می‌شود؛ به‌طوری‌که از همه چیز، قطع علاقه نموده و دوست نمی‌دارد مگر

۱. نراقی، جامع‌السعادات، ج ۱، ص ۴۹.

۲. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۰.

پروردگارش را و قلبش خضوع نمی‌کند، مگر برای او. چنین عبادی به سادگی نمی‌لغزد و جز حسن و جمال الهی، چیزی نمی‌بیند و چیزی را دوست نمی‌دارد، مگر آنچه را که خداوند سبحان دوست دارد.^۱

پس، از منظر علامه رحمته‌الله غایت اخلاق در اسلام، نه تنها کسب و تحصیل فضایل اخلاقی، بلکه طلب رضای الهی در همه امور باطنی و ظاهری است؛ یعنی اسلام برخلاف دیگر مکاتب، اخلاق را صرفاً در حسن فعلی محدود و محصور نکرده است؛ بلکه افزون‌بر حسن فعلی به حسن فاعلی هم نظر دارد و این دو بدون علم و معرفت حاصل نمی‌شود.

از نگاه ایشان هرچند اوصاف اخلاقی متکثر و متعددند، اما سرچشمه و منشأ همه آن خصایص، قوای سه‌گانه‌ای است که محرک نفس انسانی برای کسب علوم عملی است؛ علمی که تمام رفتار و اعمال آدمی به آن علوم برگشت می‌کند: قوه شهویه، غضبیه و عاقله؛ زیرا همه افعال آدمی یا از قبیل جلب منفعت است، مثل خوردن و نوشیدن و پوشیدن (قوه شهویه) و یا از قبیل دفع ضرر است، مانند دفاع از جان و مال و آبرو (قوه غضبیه) و یا برای تصوّر و تصدیق است (قوه ناطقه). ذات و جوهر آدمی معجونی از این سه قوه است. اوصاف اخلاقی، زمانی در وجودش نهاده می‌شود که این قوای سه‌گانه تعدیل شوند؛ یعنی نه به سمت افراط کشیده شوند و نه به سمت تفریط.^۲

دانشمندان مسلمان و علمای اخلاق، معانی اصطلاحی متعددی برای اخلاق بیان کرده‌اند. یکی از رایج‌ترین آنها عبارت از صفات نفسانی است که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده باشد؛^۳ البته برخی از دانشمندان، اخلاق را شامل صفات نفسانی غیر پایدار نیز دانسته‌اند.^۴ معانی اصطلاحی دیگری نیز برای اخلاق ذکر می‌شود؛ مانند نظام اخلاقی یا نظریهٔ هنجاری یک فرد یا گروه، همچون اخلاق عملی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سقراط، اخلاق عملی ورزشکاران. گاهی هم اخلاق به معنای نهاد اخلاقی زندگی به کار می‌رود. در این کاربرد اخلاق معنایی هم‌عرض هنر، علم و حقوق خواهد داشت.^۵

۱. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۳۷۳.

۳. ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۳۶؛ نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۵۵.

۴. یحیی بن عدی، تهذیب الاخلاق، ص ۴۷.

۵. ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ص ۲۹-۲۸.

۲. اهمیت و ضرورت اخلاق

در مورد اهمیت و ضرورت علم اخلاق همین بس که خداوند متعال، فلسفه بعثت همه پیامبران خود، به‌ویژه رسول خدا ﷺ را مسئله اخلاق و تهذیب نفس اعلام کرده و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۱ او خدایی است که در میان عرب امی پیامبری از خودشان را برانگیخت که آیات او را بر آنان بخواند و آنها را از پلیدی‌ها و زشتی‌ها منزّه سازد و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد؛ اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند».

خداوند متعال در آیات دیگر، با سوگندهای متعدد و پی‌درپی تأکید کرده است که تنها کسانی رستگار می‌شوند که نفس خویش را از آلودگی‌ها پاک کنند: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاها * وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَاها * وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاها * وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاهَا * وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاها * وَنَفْسٌ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۲ سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، سوگند به ماه، چون پی خورشید رود، سوگند به روز، چون زمین را روشن گرداند، سوگند به شب، چو پرده بر آن پوشد، سوگند به آسمان و آن کس که آن را بر افراشت، سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده، سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدی و پرهیزکاری‌اش را به آن الهام کرد، به‌راستی رستگار شد آن کس که نفس خویش را از آلودگی‌ها پاک کرد و زیان‌کار شد آن کس که خود را آلوده ساخت».

رسول خدا ﷺ نیز فلسفه بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاقی ذکر کرده و می‌فرماید: «اتَّما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»^۳ من از طرف خدا، برانگیخته شده‌ام تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم». امام کاظم (علیه السلام) در اهمیت علم اخلاق فرموده است: «الزُّمُّ الْعِلْمُ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ وَأَظْهَرَ لَكَ فِسَادَهُ»^۴ لازم‌ترین دانش برای تو، علمی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را برایت آشکار سازد».

۱. جمعه، ۲.

۲. شمس، ۹-۱.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴. همان، ج ۱۲، باب ۱۰۱.

علم اخلاق از سه جنبه برای انسان لازم و ضروری است: ۱. آرامش روانی فردی؛ ۲. آرامش اجتماعی؛ و ۳. رسیدن به کمال مطلوب الهی. از جنبه فردی و آرامش روانی، ضرورت اخلاق از آن رو است که روح ما را سالم می‌سازد و بهترین شیوه زندگی فرد را تعلیم می‌دهد. اخلاق، رذیلت‌ها را به ما معرفی می‌کند و راه پرهیز از آنها را نشان می‌دهد. همچنین، فضایل را به ما می‌شناساند و راه به دست آوردن آن را معین می‌کند. در این سطح، بهداشت روانی فردی ما رعایت می‌شود و احساس نوعی آرامش می‌کنیم. همین که «ربا» نمی‌خوریم یا چشم از نامحرم می‌پوشانیم یا دروغ نمی‌گوییم، نزد خود و وجدانمان، احساس رضایت و آرامش می‌کنیم. این فایده و ضرورت فردی اخلاق است.

جنبه دیگر اخلاق، بعد اجتماعی آن است؛ یعنی اینکه اگر انسان به قواعد و احکام اخلاقی پایبند باشد، نه تنها خودش احساس آرامش می‌کند، بلکه اجتماع هم از کردارها و رفتارهای پسندیده او احساس آرامش می‌کند. برای مثال، کسی که غیبت نمی‌کند، غیر از اینکه بهداشت روانی فردی خودش تأمین می‌شود، مردم نیز در راحتی و آرامش به سر خواهند برد. یا کسی که حسود نیست، افزون‌براینکه خودش در آتش حسد نمی‌سوزد، مردم هم از آزارهای حسادت‌آمیز او در امان هستند. پس اخلاق نیکو، مناسبات اجتماعی را بهبود می‌بخشد و فضای جامعه را با طراوت می‌کند.

جنبه دیگر ضرورت اخلاق، پرورش استعدادها و شکوفا شدن آنها برای رسیدن به کمالات نهایی است. و این، مهم‌ترین رسالت و ضرورت اخلاق است؛ یعنی انسان مسلمان با اخلاص و عمل صالح، فقط به این انگیزه که خداوند متعال را خشنود سازد، به کارهای اخلاقی دست می‌زند. استمرار این نوع از کار اخلاقی، به انسان، کمالات گرانقدری را هدیه می‌دهد. برای فرد مؤمن، چه لذتی بالاتر از خشنودی خدا و لقا و دیدار اوست. اساساً انسان برای همین هدف آفریده شده است تا با آگاهی و عمل صالح و استمرار در کردارهای اخلاقی به خدا برسد.

از جنبه دیگر، تربیت‌های اخلاقی از آنجا ضرورت می‌یابد که معمولاً میان خواسته‌ها و امیال متعدد مادی انسان و نیازهای اخلاقی و معنوی او تعارض صورت می‌گیرد؛ از این رو انسان در میان این تعارض‌ها مجبور به «انتخاب» می‌شود (چون موجودی مختار است)، بنابراین، تربیت اخلاقی انسان امری ضروری می‌نماید تا در این انتخاب، آن چیزی را برگزیند که به نفع سعادت و رستگاری واقعی و الهی اوست. اگر تربیت اخلاقی انسان جدی گرفته نشود، در کشاکش

دائمی میان ارزش‌های اخلاقی و تمایلات حیوانی (که مربوط به جنبه‌های پست وجود انسان است) غالباً تمایلات حیوانی بر جنبه‌های اخلاقی می‌چربد و آنها را از میدان خارج می‌کند و همین از میدان به در شدن، سقوط به جهنم و عذاب ابدی را در پی خواهد داشت. ضرورت اخلاق و تربیت‌های اخلاقی را از این زاویه هم می‌توان بررسی کرد که نتایج و دستاوردهای همه علوم، اکنون در اختیار انسان است، حال اگر انسان تربیت اخلاقی، روحی و معنوی نداشته باشد، از این دستاوردهای علوم نیز نمی‌تواند در جهت سعادت حقیقی و کمال واقعی خود بهره‌مند شود؛ زیرا علم، چراغ است اگر در دست انسان نااهل باشد، زندگی مردم را به تاراج می‌برد و همه را هلاک می‌کنند: «چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا». از همین جا ضرورت اخلاق و پاکسازی درون آشکار می‌شود.

۳. اهمیت اخلاق در قرآن

مباحث اخلاقی از مهم‌ترین بحث‌های قرآنی است و مهم‌ترین هدف انبیای الهی را تشکیل می‌دهد و اصولاً زمانی انسان شایسته نام انسان است که دارای اخلاق انسانی باشد؛ ازاین‌رو، خداوند متعال در قرآن کریم یکی از اصلی‌ترین اهداف رسالت پیامبران الهی به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام ﷺ را مسئله اخلاق و تزکیه انسان‌ها معرفی کرده و می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۱. خداوند متعال در این آیه، رسول خدا ﷺ را معلم اخلاق معرفی و یکی از وظایف اصلی ایشان را تعلیم و تربیت مطرح می‌کند و این مسئله را به‌عنوان یکی از نشانه‌های خداوند ذکر کرده است؛ و نقطه مقابل اخلاق و تعلیم و تربیت را ضلال مبین و گمراهی آشکار شمرده و فرموده است: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» که این می‌تواند نشانه و گواهی بر نهایت اهتمام قرآن به اخلاق و مباحث اخلاقی باشد.

خداوند متعال در آیه دیگری از قرآن کریم، با اشاره به اهمیت اخلاق، بعثت رسول خدا ﷺ را که مربی اخلاقی و معلم کتاب و حکمت است را به‌عنوان منتی بزرگ و نعمتی عظیم از ناحیه خداوند متعال شمرده و می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا

عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^۱ خداوند بر مؤمنان مَنّت نهاد (و نعمت بزرگی بخشید)؛ هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند، و آنان را پاک کند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد؛ هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند».

خداوند متعال در آیه دیگری می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^۲ همان‌گونه (که با تغییر قبله نعمت خود را بر شما ارزانی داشتیم)، رسولی از خودتان در میانتان فرستادیم، تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد، و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد».

در این آیه شریفه، که بعد از آیات تغییر قبله (از بیت المقدس به کعبه) آمده و این تحول را یک نعمت بزرگ الهی می‌شمرد، می‌فرماید: «این نعمت همانند اصل نعمت بعثت پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که با هدف تعلیم و تربیت و تهذیب نفوس و آموزش اموری که وصول انسان به آن از طرق عادی امکان‌پذیر نبود انجام شده است».

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، خداوند متعال در آیات ۱-۹ سوره شمس، با سوگندهای متعدد و پی‌درپی تأکید کرده است که تنها کسانی رستگار می‌شوند که نفس خویش را از آلودگی‌ها پاک و فضایل اخلاقی را در خود نهادینه نمایند و از رذایل اخلاقی اجتناب کنند. این تأکیدهای پی‌درپی و بی‌نظیر، دلیل روشنی است بر اهمیتی که قرآن مجید برای پرورش اخلاق و تزکیه نفوس قائل است و گویی همه ارزش‌ها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند و فلاح و رستگاری و نجات را در آن می‌داند. از این رو، می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاها * وَ.... قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۳ سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، سوگند به ماه، چون پی خورشید رود، و... به‌راستی رستگار شد آن که نفس خویش را از آلودگی‌ها پاک کرد و زیان‌کار شد، آن که خود را آلوده ساخت».

۱. آل عمران، ۱۶۴.

۲. بقره، ۱۵۱.

۳. شمس، ۱-۹.

در آیه ۱۴ سورة مبارکه اعلی، هم با تأکید بر این نکته مهم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»^۱ به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد) رستگار شد؛ (آن‌که) نام پروردگارش را یاد کرد، سپس نماز خواند!». آنچه از آیات یادشده استفاده می‌شود اهتمام فوق‌العاده قرآن مجید به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس به‌عنوان یک مسئله اساسی و زیربنایی است که برنامه‌های دیگر از آن نشئت می‌گیرد و به تعبیر دیگر، بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. آری! تکامل اخلاقی در فرد و جامعه، مهم‌ترین هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند، و ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و پدیده‌های ناهنجار می‌شمرند.^۲

۴. اهمیت اخلاق در روایات اسلامی

برای تبیین اهمیت و جایگاه اخلاق در روایات اسلامی، احادیث متعددی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) رسیده است که بیانگر اهمیت فوق‌العاده‌ای است که رهبران دین (علیهم‌السلام) به مسئله اساسی و مهم اخلاق و تهذیب نفس قائل شده‌اند. در حدیثی معروف از پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام».^۳ تعبیر «اتما» که به اصطلاح برای حصر است، نشان می‌دهد که تمام اهداف بعثت رسول خدا ﷺ در همین امر یعنی تکامل اخلاقی انسان‌ها خلاصه می‌شود. امیرمؤمنان حضرت علی (علیه‌السلام) در یکی از سخنان گران‌سنگ خویش، به این نکته مهم تأکید می‌کند که فضایل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد! آن حضرت می‌فرماید: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا نَوَابَأَ وَلَا عِقَابًا لَكُنَّا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ»^۴ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ زیرا آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند».

۱. اعلی، ۱۴.

۲. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۰.

۳. متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۵۲۱۷۵، ج ۳، ص ۱۶.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۳.

در حدیث دیگری از رسول خدا ﷺ آمده است که فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صَلََّةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ، فَحَسَبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ؛^۱ خداوند سبحان فضایل اخلاقی را وسیله ارتباط میان خودش و بندگان قرار داده، همین بس که هر یک از شما دست به اخلاقی بزنند که او را به خدا مربوط کند». به تعبیر دیگر، خداوند بزرگ‌ترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع تمام فضایل است، و قرب و نزدیکی به خدا جز از طریق تخلق به اخلاق الهی امکان‌پذیر نیست! بنابراین، هر فضیلت اخلاقی رابطه‌ای میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و او را گام‌به‌گام به ذات مقدسش نزدیک‌تر می‌کند.^۲

زندگی رهبران دین و حضرات معصومین (علیهم‌السلام) نیز سرتاسر بیانگر همین مسئله است که آنها افزون‌براینکه همواره به فضایل اخلاقی توصیه و سفارش می‌کردند، خود نیز همواره ملتزم به فضایل اخلاقی بوده و الگوی زنده و اسوه حسنه‌ای در این راه بودند. برای نمونه، خداوند متعال در قرآن مجید آنگاه که درصدد تبیین سیمای نورانی و مقام والای رسول خدا ﷺ بر می‌آید، می‌فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۳ تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!».

۵. رابطه زندگی مادی به‌ویژه کسب و کار با مسائل اخلاقی در روایات اسلامی

اخلاق و مسائل اخلاقی افزون‌بر جنبه اخروی و تأثیر گسترده بر حیات جاودانه انسان در آن دنیا، تأثیری عمیق در زندگی مادی و دنیوی انسان‌ها دارد و رابطه بسیار قوی و عمیق با آن دارد و بسیاری از مسائل اجتماعی، تحت تأثیر مستقیم اخلاق و مسائل اخلاقی است. این مسئله افزون‌بر آیات قرآن مجید در روایات حضرات معصومین (علیهم‌السلام) نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است که نشان از تأثیر عمیق اخلاق و صفات اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست که در این قسمت، برخی از این احادیث بررسی می‌شود:

- امیرمؤمنان حضرت علی (علیه‌السلام) در تبیین رابطه اخلاق با زندگی مادی و دنیوی انسان و تأثیر اخلاق و صفات اخلاقی در روزی انسان می‌فرماید: «فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ؛ گنج‌های روزی‌ها، در اخلاق خوب و گسترده نهفته است».^۴

۱. وَرَّامُ بْنُ أَبِي فَرَّاسٍ، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ وَنَزْهِهِ النَّوَاطِرِ، ص ۳۶۲.

۲. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۴.

۳. قلم، ۴.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۳.

- حضرت امام صادق علیه السلام اخلاق و صفات اخلاقی را تأثیرگذار بر زندگی دنیوی انسان دانسته و یکی از برکات دنیوی اخلاق را وسعت در روزی انسان مطرح و می‌فرماید: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ حسن خلق، روزی را زیاد می‌کند».^۱

- امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در حدیث دیگری درباره تأثیر اخلاق و صفات اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی و تأثیر حسن اخلاق در استحکام رابطه دوستی در میان انسان‌ها اشاره و می‌فرماید: «مَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ كَثُرَ مُحِبُّوهُ، وَأَنْسَتِ النَّفُوسُ بِهِ؛ کسی که اخلاقش نیکو باشد، دوستانش فراوان می‌شوند و مردم به او انس می‌گیرند».^۲

- همچنین حضرت امام صادق علیه السلام برخی دیگر از آثار دنیوی اخلاق و صفات اخلاقی در زندگی اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «إِنَّ الْبِرَّ وَحُسْنَ الْخُلُقِ يَغْمُرَانِ الدِّيَارَ، وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ؛ نیکوکاری و حسن اخلاق، خانه‌ها (و شهرها) را آباد و عمرها را زیاد می‌کند».^۳

در توضیح و بیان این روایت می‌توان گفت که بی‌تردید، عمران و آبادی در سایه اتحاد و صمیمیت و همکاری در میان قشرهای جامعه به وجود می‌آید و آنچه باعث تحکیم این امور شود، از عوامل مهم عمران و آبادی خواهد بود. طول عمر نیز مولود آرامش فکر و آسودگی خیال و جلوگیری از فقر و همکاری و همبستگی اجتماعی است و این امور در سایه اخلاق به دست می‌آید.^۴

- رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در یکی از سخنان نغز خویش به تأثیر اخلاق و صفات اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی تأکید و می‌فرمود: «حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ؛ اخلاق خوب پیوند محبت و دوستی را محکم می‌کند».^۵

همچنان‌که اخلاق خوب و صفات اخلاقی نیکو تأثیرات مثبت در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها دارد، اخلاق بد و صفات اخلاقی ناپسند نیز تأثیر زیادی در ایجاد نفرت

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۶.

۲. آمدی، غرر الحکم درر الکلم، ص ۴۵۲.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۵.

۴. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۵۸.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۸.

اجتماعی و پراکندگی مردم، و تنگی معیشت و سلب آرامش و آسایش دارد که روایات متعددی که از حضرات معصومین (علیهم السلام) نقل شده است، به این نوع از تأثیرات اخلاق اشاره کرده است؛ از جمله:

- امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) در حدیثی درباره تأثیر اخلاق بد و صفات اخلاقی ناپسند در زندگی اقتصادی انسان و معیشت او می فرماید: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ ضَاقَ رِزْقُهُ؛ کسی که اخلاقش بد باشد، روزی او تنگ می شود!»^۱.

- همچنین، آن حضرت درباره تأثیر اخلاق بد و صفات اخلاقی ناپسند در زندگی اجتماعی انسان و ارتباطات انسانی او می فرماید: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ أَغْوَزَهُ الصَّدِيقُ وَالرَّفِيقُ؛ کسی که بد اخلاق باشد دوستان و رفیقان او پراکنده می شوند و او را رها می کنند»^۲.

- امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) در یکی دیگر از سخنان خویش تأثیر اخلاق بد و صفات اخلاقی ناپسند در زندگی اقتصادی انسان و معیشت او و همچنین تأثیر آن در روح و روان انسان را توأمان مورد توجه قرار داده و می فرماید: «سُوءُ الْخُلُقِ نَكْدُ الْعَيْشِ وَعَذَابُ النَّفْسِ؛ اخلاق بد موجب سختی و تنگی زندگی و ناراحتی روح و وجدان می شود»^۳.

- همچنین آن حضرت در پاسخ پرسشی در مورد تأثیرات روحی و روانی اخلاق بد و صفات اخلاقی ناپسند، به تأثیر اخلاق بد و صفات اخلاقی ناپسند بر روح و روان فرد تأکید می کنند. وقتی از ایشان سؤال شد که: «مَنْ أَدْوَمَ النَّاسِ غَمًّا؛ چه کسی غم و اندوهش از همه بیشتر است؟» فرمود: «أَسْوَأُهُمْ خُلُقًا؛ یعنی کسی که از همه اخلاقش بدتر است!»^۴.

- و بالاخره در حدیثی می خوانیم که لقمان حکیم به فرزندش چنین نصیحت می کرد: «إِيَّاكَ وَالصَّبْرَ وَسُوءَ الْخُلُقِ وَقِلَّةَ الصَّبْرِ فَلَا يَسْتَقِيمُ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ صَاحِبٌ؛ از بی حوصلگی و سوء خلق و کم صبری بپرهیز که با داشتن این صفات بد، دوستی برای تو باقی نمی ماند»^۵.

۱. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۲۳.

۲. همان، ص ۴۲۴.

۳. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۸۹.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۸.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۱۹؛ مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۶۰.